

«متنی که در ادامه می‌آید، مشتمل بر اظهار نظرهایی از صاحب‌نظران و اندیشکده‌های آمریکایی پیرامون حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه است. در پیس تحلیل و بهره‌برداری از چنین اظهار نظرهای شاید امیدوارکننده‌ای، نکته‌ای که سیاستمداران ایران باید به آن توجه داشته باشد، این است که جمهوری اسلامی بایستی طرح خود را پیرامون این حضور داشته باشد و پیش‌برد. به نظر می‌رسد طرح گفتار «اخراج آمریکا از منطقه» توسط رهبر معظم انقلاب به عنوان انتقام شهادت سردار سلیمانی، طرحی فعالانه از همین جنس است. در مقابل آن به نظر می‌رسد، طرح‌هایی که منفعلانه منتظر خروج آمریکا از منطقه و به نحوی بازی کردن در طرح خود آمریکایی‌ها هستند، سبب افزودن چالش برای جمهوری اسلامی می‌شوند. چالشی که می‌توان آن را مسطح شدن منطقه و تشدید گفتارهایی مانند عادی‌سازی روابط، طرح دودولتی در کشور فلسطین و... نامید. آمریکا حدود ۴۶۰۰۰ سرباز در ۱۱ کشور سراسر خاورمیانه مستقر کرده است که تمام تجهیزات آنها را نیز پشتیبانی می‌کند. آمریکا این حجم از نیرو را در اروپا یا شرق آسیا، جایی که دشمن‌ترین دشمنان او به بازدارندگی و متحدترین متحدانش به اطمینان بخشی نیاز دارند، هزینه نکرده است. یکی از بزرگترین سؤالات استراتژیک برای جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا- یا دونالد ترامپ در صورت پیروزی در نوامبر- این است که این حضور عظیم آمریکایی را حفظ کند یا آن را کاهش دهد.

← حضور کوتاه مدت

به نظر می‌رسد این جمع‌بندی مشترک در میان آمریکایی‌ها وجود دارد که اکنون زمان نادرستی برای چنین تغییر شدیدی (کاهش حضور در خاورمیانه) خواهد بود. آمریکا در آستانه انتخابات خود دچار تنش‌های حزبی شده است. اسرائیل در حال جنگ در نوار غزه و نسل‌کشی است و گروه‌های مقاومت از یمن تا سوریه، نه تنها صهیونیست‌ها، بلکه نیروهای آمریکایی را نیز در تیررس خود دارند. آمریکایی‌ها معتقدند اگر اکنون از خاورمیانه خارج شوند، تهران به پیروزی تبلیغاتی می‌رسد و مانند سال ۲۰۲۱، زمانی که بایدن بی پروا افغانستان را رها کرد، خطر هرج و مرج بالا می‌رود.

← حضور میان‌مدت و بلندمدت

■ **استدلال‌های موافقان ادامه حضور (موسوم به انترناسیونالیستها):**

- تاریخ نشان داده شرایط در دوره‌هایی که هژمونی غایب یا مبهم است، (مانند دهه‌های ۱۹۲۰ و ۳۰) به فاجعه ختم می‌شود (جنگ جهانی دوم) و در درازمدت متحمل شدن هزینه‌های حفظ نظم ارزان‌تر از پاک کردن آشفتگی‌های فاجعه جهانی است.
- تاریخچه تلاش‌های شکست خورده آمریکا برای خروج از منطقه، مرکزیت ژئوپلیتیکی آن را ثابت می‌کند و به این معناست که ایالات متحده باید به حضور خود ادامه دهد زیرا این تکلیف و بار یک هژمون است. (هال برنزد، محقق سیاست خارجی آمریکا و استاد

دانشگاه جانز هاپکینز

• آمریکایی‌ها باید بمانند تا از تبدیل شدن ایران به یک هژمون منطقه‌ای جلوگیری کنند. ایران به اندازه روسیه و چین در همسایگی خود از نظر نظامی مسلط نیست. علاوه بر این، سایر قدرت‌های منطقه، به ویژه عربستان سعودی و ترکیه، برای مقابله با تهران، سازماندهی خواهند کرد. ایالات متحده می‌تواند با ایجاد ائتلاف از چنین تلاش‌هایی حمایت کند. ترکیه از قبل عضو ناتو است و در همین راستا واشنگتن در حال مذاکره با ریاض در مورد تضمین‌های امنیتی متقابل است.

■ استدلال‌های مخالفان ادامه حضور (موسوم به انزوآگرایان):

• آمریکا در حال حاضر برتری جهانی خود را از دست داده است و نمی‌تواند آن را پس بگیرد. به عنوان مثال، در طول دو دهه آخر جنگ سرد، بدهی عمومی ایالات متحده به‌طور متوسط ۳۸ درصد از تولید اقتصادی بود. سال گذشته این نسبت به سه برابر رسید. آمریکایی‌ها به‌طور فزاینده‌ای می‌خواهند که کشورشان برای حل مشکلات داخلی سرمایه‌گذاری کند و اولویت‌های

خود در خارج از کشور را محدود کند. (کریستوفر پرل، اندیشکده استیمسون واشنگتن)

• آمریکا باید تقریباً ۳۴۰۰ پرسنل نظامی خود را در عراق و سوریه در اسرع وقت و در نهایت ده‌ها هزار نفر را در کشورهای خلیج فارس و بقیه منطقه خارج کند. امروز، داعش دیگر هیچ منطقه‌ای را کنترل نمی‌کند و به حدی تنزل یافته است که دشمنان منطقه‌ای آن، از کردهای سوریه گرفته تا جنگجویان شیعه، می‌توانند بدون کمک آمریکا آن را تحت کنترل خود نگه دارند. سایر توجیه‌های بزرگتر برای حضور ایالات متحده درست نیست. به عنوان مثال، آمریکا امروزه نسبت به شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ بسیار کمتر به هیدروکربن‌های منطقه خلیج فارس متکی است و بازارهای جهانی نیز انعطاف پذیرتر شده‌اند. با گذشت زمان، اقتصادهای غربی سوخت‌های فسیلی را کنار خواهند زد. بنابراین اگر ایران تلاش کند تنگه هرمز را ببندد، به مشتریان خود، مخصوصاً چین، آسیب می‌رساند. در هر صورت، ایالات متحده و متحدانش می‌توانند برای باز نگه داشتن مسیرهای تجاری حتی بدون حضور دائمی مداخله کنند. (دانیل دیپتریس، اندیشکده اولویت‌های دفاعی واشنگتن)

• این که خروج آمریکا باعث ایجاد خلائی می‌شود که مسکو یا پکن وارد آن خواهند شد، بیش از حد بدبینانه است. روسیه در سوریه، آفریقا و کشورهای دیگر فعالیت می‌کند، اما عمدتاً در تلاش است تا قدرت خود را به اروپای شرقی، آسیای مرکزی و همچنین قطب شمال بفرستد. چین نیز به تنگه تایوان و دریاهای چین شرقی و جنوبی چشم‌دوخته است. همانطور که عقب نشینی ایالات متحده از ویتنام، آسیای جنوب شرقی را به چینی‌ها نداد، عقب نشینی از خاورمیانه نیز، آن را به کرملین یا ژونگ نانهای واگذار نمی‌کند.

• آمریکایی‌ها در خاورمیانه به جای بازدارندگی ایران و نیروهای نیابتی آن، به عنوان تحریک‌کننده عمل می‌کنند و گرایش ضد آمریکایی و تروریسم را پرورش می‌دهند. نیاز مکرر ایالات متحده به تلافی‌جویی در برابر حملات سطح پایین، خطر تشدید تنش ناخواسته را افزایش می‌دهد. این ممکن است ایالات متحده را وارد یک جنگ بزرگ کند که خود و جهان به آن نیازی ندارند. (کلی گریکو، اندیشکده استیمسون واشنگتن)

• واشنگتن با استقرار نیروهای خود، شرکای خود مانند ریاض را تشویق می‌کند که آزادانه عمل کنند و کمتر از آنچه می‌توانند برای امنیت منطقه انجام دهند.

